

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

موسوی

۱۵ اگست ۲۰۱۹

"قسمت اول" مختصری بر، دروغ های "جناب" صدراعظم سلطان علی کشتمند

۱۰

به ادامه گذشته:

اینجاست که باید به "جناب" کشتمند حق داد که راست می گوید: بلی!

تو و هم قطارانت نه دیروز کمونیست بودید و نه هم امروز مسلمان هستید، چه مثنی مزدور، میهن فروش که از تجاوز به ناموس ملت افغانستان هیچ ننگ و عاری ندارند، چگونه می توانند دارای مسلک و مکتب عقیده تی باشند؟

"آقایان"!!!

بنا بر صفاتی که قبلاً تذکار یافت و درباره "جنابان" شما به مثابه پرچی های ناب و تمام عیار همه آنها صدق می کند، شما خودفروختگان فاقد مسلک هستید که فقط بنا بر اراده و اشاره "ولینعمت" ادعای انتساب به این و یا آن مسلک را می نمایند. این که امروز در آشفته بازار کنونی از کمونیزم ادعائی تان - با کمونیزم اصلی بدون آنها شما را سروکاری نبود - تیرا می جوئید و به اسلام پناهی روی می آورید و به ملت می خواهید بگوئید که ما دیگر پرچی های قبلی با به اصطلاح "جهانبینی علمی" و چه و چه نیستیم، خاکستر دیگر نیست که با آن مانند سابق می خواهید چشم مردم را کور کنید. صاف و ساده بگوئید که دیگر (روبل) جایش را به (دینار و کلدار، تومن، یورو، دالر و پوند استرلینگ) داده ضرورتاً باید اسلام پناهی پیشه کنید.

"آقایان"!!!

اگر مردم ما ناگاهانه و اخوان آگاهانه کمونیست نمائی های شما را جای کمونیزم می گرفتند، مگر فرزندان صالح و جانباز خلق ما به نیکی می دانستند که شما چه کسانی هستید. آنها چه در شکنجه گاه ها و چه هم در پولیگونها قاتلان بی مسلک خویش را خوب می شناختند. آنها از موضع کمونیستهای راستین در تقابل با شوروی اشغالگر و مزدوران خودفروخته آن با ایثار خون، از شرف کمونیستی شان دفاع می کردند. یاد شان گرامی باد.

"آقایان"!!!

اگر مجموع ملت افغان به ویژه نیروهای انقلابی آن علیه شما تفنگ گرفتند و در محراب آزادی جان باختند نه به خاطر آن بود که گویا شما کمونیست بودید، همین مردمی را که با بوق و سرنا در اذهان خلقهای جهان عقب مانده و عاشق عقماندگی و تعصب کور معرفی داشته اید از قرنهای بدین سو تحمل مذهبی و عقیده تی شان را در ضرب المثل های "عیسی به دین خود، موسی به دین خود"، "بز از پای خود آویزان هست گوسفند از پای خود" و تطبیق آن در زندگی عملی "احداث معابد هندوئی در کنار مساجد اسلامی..." در اقصا نقاط افغانستان به نمایش گذاشته، آنها را هیچ گونه مسؤولیتی از جو "هیستری مذهبی" حاکم در تقریباً دو و نیم دهه اخیر در بین نباشد چه در قدم اول این شما و سایر همقطاران تان بود که آگاهانه به خاطر تخطئه محتوای جنگ آزادیبخش ملی در همسوئی کامل با امپریالیزم حریف (غرب)، ارتجاع منطقه و اخوان به اسلام پناهی رو آورده "زوار و کربلایی" شده با شالارتانگیری وصف ناپذیری، خود را "مقلد" این و یا آن آخوند معرفی داشتید و در یک رقابت افسار گسیخته با دشمنان تاریخی خلق ما (اخوان و تکیه گاه منطقه ئی و بین المللی آن)، ازدهای مذهب را با صرف صدها میلیون دالر، روبل، کدالر، تومن، دینار و ... بر بستر جنایات خانمانسوز تان از زباله دان تاریخ بیرون کشیده و بر حیات و ممت ملت ما حاکم گردانیدید.

مجموع ملت و در پیشاپیش آن نیروهای انقلابی و ملی علیه شما تفنگ گرفتند، زیرا شما را مزدور دشمن و در خدمت دشمن می دانستند، یقین داشته باشید ملت افغانستان و نیروهای مترقی و متعهد آن به هر لباسی که مزدوران اجنبی ملبس گردند، علیه آنها به پا خاسته ننگ اسارت پذیری را از دامان خویش خواهند زدود، چه این جامه پرچم آن جذاب سرخ رنگ شوروی باشد و چه هم رایت تزویر سبز و سفید اسلامی و یا بیرقهای رنگارنگ ناتو به ویژه "پرچم" سه رنگ امریکا.

"آقایان"!!!

حال می خواهید اسلام پناهی کنید و یا پیوند های سابق را استحکام جدید بخشید و یا در کنار (ببرک امریکائی) به اصطلاح "پوستی از بره بر سر و جیلکی از ابریشم" بر تن کنید تا زمانی که در خدمت اجنبی قرار دارید، نفرت، ننگ و نفرین ملت را با خود خواهید داشت. مطمئن باشید فرزندان اصیل این میهن، این همه خون ندادند تا چون شما قلاذه عوض کنند بلکه آنها خون دادند، ابر قدرتی را به زانو در آورند و با عزم راسخ و استواری تمام ابرقدرت دیگر را نیز به زانو در خواهند آورد و به چیزی کمتر از آزادی ملی و ترقی اجتماعی بسنده نخواهند کرد. بروید به شکرانه موجودیت خائنینان (هشت ثور) دعای "رد بلا" خوانده، قران بر سر باز هم "زوار، کربلایی و حاجی" شوید و تا می توانید اسلام پناهی کنید، چه اگر خائنینان به ملت و "اسلام" نمی بودند و به مثابه دست دراز "امپریالیزم رقیب" بر خلق ما و نیروهای انقلابی آن زندگی زیر "آتش متقاطع" را تحمیل نمی کردند، امروز در افغانستان آزاد و سر بلند می بایست مقابل محاکم خلق، از کارنامه جنایات و خیانتهای تان دفاع می کردید و این را حتماً نیک می دانید که در محاکم خلقی نه اسلام پناهی نجات تان داده می توانست و نه هم به اصطلاح "جهان بینی علمی".

۲ - آیا پرچمها افتخارات مبارزاتی هم داشتند؟

هنگامی که "جناب" صدراعظم در باره (حدخا) به ویژه جناح (پرچم) به نوشتن می پردازد خصایل پرچمی گرایانه اش (لطفاً هفتاد و شش صفت یک پرچمی ناب را به خاطر بیاورید) گل نموده در عالم رؤیا، تخیلات، اوهام و احیاناً برداشتهای تاریخی را که از احزاب پیشرو سایر کشورها دارد، با واقعیت های آنزمان "پرچم" خلط و به این نتیجه می رسید که سکandar، محور و جهت عمده مبارزات روشنفکران، کارگران و دهقانان در دهه دیموکراسی تاجدار، سالهای اختناق "داوود" و دوران کشتار و پولیگونهای (حدخا) فقط و فقط "پرچم" بوده و احیاناً اگر احزاب و سازمانهای

دیگری هم وجود داشتند مبارزات شان در مقایسه با درخشش و تشعشع مبارزات "پرچمیان با نظم" چیزی جز یک جرقه زودگذر نبوده و در تمام تحولات اجتماعی - سیاسی این پرچمیان بودند که رول عمده و تعیین کننده را داشتند. این "دیده درائی" را تا به آنجا می رسانند که در تقابل واضح و آشکار با تاریخ چهاردهم اخیر که جزء خاطرات زنده لااقل نصف نفوس افغانستان و جهان است نابودی رژیم سرکوب و کشتار امین را نیز نتیجه تجاوز رهزنانه اشغالگران شوروی ندیده، بلکه محصول مبارزات "پیگیر و دلیرانه" پرچمیان دانسته با اقرار به حداقل نقش مقاومت ضد (حدخا)، رول روسها را نیز در حد یک کمک و آنهم در آخرین لحظات ارزیابی می کند. در صفحه (۵۳۹) کتاب (یاداشتهای سیاسی و رویداد های تاریخی) "جناب" کشتمند می نویسد:

"شایان یادآوریم که از لحاظ سیاسی، از میان تمام جریانات و جنبشها، این بخش پرچمیهای (حدخا) بود که بزرگترین قربانی - شاید منظورش قربانیهای باشد که سازمان زنان پرچم و محترمه کریمه جان با تبارز "نظم" آنچنانی داده اند، را متحمل گردید و نقش تعیین کننده را به خاطر برانداختن رژیم خدعه و ستم امین ایفاء نمود" در همان کتاب صفحه (۵۵۰) می خوانیم: "بدین گونه دست کم نیمی از بدنه حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (پرچمیها) به مثابه یک سازمان متشکل به رغم پیگردهای رژیم، نه تنها زنده ماندند بلکه در آستانه سرنگونی رژیم تکتاز حفیظ الله امین پرتحرک و نیرومند سر برون آورده و در روند برانداختن رژیم و در تحولات بعدی در جامعه، نقش تعیین کننده ایفاء نمودند."

تذکر: در نقل های قول بالا تکیه روی کلمات از من "موسوی" است.

قبل از آن که دو پرگراف بالا را با واقعیهای آنروز به ارزیابی گیریم، لازم است اندکی نظرات "جناب" صدراعظم را در رابطه با جنبش آزادیخواهانه (این مفهوم را تا زمانی در کتاب به کار می برد که علیه امین و امینی هاست، بعد از سرنگونی امین و حاکمیت روسها دیگر مبارزات خلق ما در هیچ کجای کتاب به نام جنبش آزادیخواهانه یاد نمی شود، شاید یکی از دلایل چنین امتناعی همان ۷۶ صفت یک پرچی ناب بوده باشد) مقابل امین نیز مختصراً مرور کنم. "جناب" صدراعظم، تقریباً در چیزی کمتر از دو صفحه کتابش (۵۳۸ و ۵۳۹) "مرحمت" ارزانی داشته، ضمن تحریفهای آشکار و مغالطه های آگاهانه با یادآوری از برخی حرکات روشنفکری در پوهنتون (دانشگاه) کابل، از مبارزات دیگری نام می برد که از نظر وی بنابر فشار روزافزون و پیگرد پولیسی دولت سرکوب گردیدند و فقط این "روئین تان!!!" پرچی بودند که زنده ماندند و کار "امین" را ساختند، توجه تان را به متن "جناب" کشتمند جلب می کنم.

همان کتاب صفحه (۵۳۹): "هدف تمام این سازمانها و جمعیتها اعم از سابق و جدید، بیکار علیه رژیم خودکامه و برانداختن فرمانروائی آن بود. ولی فعالیتهای اغلب فراکسیونها و جریانات متذکره در بالا به وسیله احزاب بنیادگرای اسلامی معین در داخل و خارج کشور محدود و عقیم گردید، سازمانها و رهبران آنها نابود و کشته شدند. برخی از آنها به خودی خود از بین رفتند. همچنان رژیم (منظور امین است. م.) نیز با کاربرد سیاست پیگرد بی امان، کشف سازمانها و تشکلات آنها به وسیله جواسیس بیشمار خویش، مشی خشن قلع و قمع آنها را در پیش گرفت ..."

تذکر: تکیه روی کلمات از من است - م -

در اینجا ابتداء می بینیم که "پرچم" بعد از انشعاب در چه وضعیتی قرار داشته و از زمان به وجود آمدن الی زوال ننگینش چه رولی را در دوره های تاریخی مختلف بازی نموده است و به تعقیب پراگرافهای نقل شده بالا را اندکی باز می کنم و باز هم از "جناب" کشتمند کمک می گیرم:

ادامه دارد